

بسم الله الرحمن الرحيم

## کشمکش میان آذربایجان و ارمنستان

(ترجمه)

### پرسش

الهام علییوف رئیس‌جمهور آذربایجان در سخنانی که شام یک‌شنبه 4 اکتوبر 2020م از تلویزیون رسمی منتشر گردید گفت: «ارمنستان موظف است برای خروج‌اش از اقلیم ناغورنی قره‌باغ، قبل از پایان جنگی که حدوداً یک هفته قبل در آن آغاز گردید، جدول زمانی بسازد. علییوف تسلط بالای شهر جبرائیل را که روز گذشته صورت گرفت، برای ارمنستان و حامیان آن یک درس خوانده و به گفته وی؛ بهتر است از آن عبرت بگیرند.» (منبع: الجزیره 5 اکتوبر 2020م) درگیری‌های شدید میان آذربایجان و ارمنستان صبح روز 27 سپتمبر 2020م با خشونت‌های شروع شد که از زمان آتش‌بس میان دو طرف در سال 1994م تا کنون نظیر نداشته، هرچند هرازگاهی زدوخوردهای محدود و بعضاً گسترده میان دو طرف رخ می‌داد، مانند برخوردهای سال 2016م و هیچ‌گاهی ترکیه در آن زد و خوردها از آذربایجان حمایت نظامی نمی‌نمود، اما این بار ترکیه رسماً اعلان نمود که از آذربایجان پشتیبانی می‌کند. به نظر می‌رسد ترکیه از این پشتیبانی اهداف مشخصی را دنبال می‌کند، این اهداف چیست؟ و چرا ترکیه این بار تا این حد مداخله گسترده نموده؟ و این که موقف دولت‌ها گروه مینسک، به ویژه سه دولت پیش‌گام در این گروه (امریکا، روسیه و فرانسه) در این قضیه چیست؟ با ابراز سپاس.

### پاسخ

برای درک درست واقعیت جاری، امور زیر را به بررسی می‌گیریم:

1- آذربایجان اعلان نمود که ارمنستان صبح روزم 27 سپتمبر 2020م هجوم گسترده‌ای را در خاک ارمنستان آغاز نموده. وزارت دفاع آذربایجان در بیانیه‌ای اعلان نمود: «حملات ارمنستان منجر به کشته شدن شماری از غیرنظامیان گردیده به علاوه ویرانی‌های زیادی که موشک‌باران شدید ارمن‌ها در زیربناهای شماری از قریه‌ها به غیرنظامیان وارد نموده است.» در بیانیه هم‌چنین گفته شده که نیروهای آذربایجان نیز موفق شده متقابلاً هجومی را علیه دشمن به راه انداخته و شمار زیادی از موترها/ماشین‌های نظامی ارمنستان را در عمق خطوط دشمن هدف قرار دهد، به شمول 12 پایه موشک زمین به هوا از نوع اوسا.» (منبع: الجزیره 27 سپتمبر 2020م) پارلمان آذربایجان با اعلان وضعیت جنگی در برخی از شهرها و مناطق و اعمال حالت آماده‌باش در مناطق درگیری موافقت نمود.

از جانب دیگر؛ ارمنستان نیز وضعیت جنگی اعلان نمود، در حدی که در صفحه رسمی دولت ارمنستان تصویر یک روحانی مسیحی را منتشر نمود که سلاحی در دست داشته و نشانه کفری صلیبی را بر گردن‌اش آویزان نموده تا نشان دهد که این یک جنگ صلیبی علیه مسلمانان است. نیکول باشینیان نخست‌وزیر ارمنستان در یک سخنانی موقف کشورش را چنین اعلان نمود: «آذربایجان جنگ را علیه مردم ما آغاز نموده و این که بعید نیست این تنش‌ها سراسر منطقه را فرا گرفته و امنیت جهانی را برهم زند. موقف‌گیری ترکیه

در این قضیه پیامدهای ویرانگری در جنوب قفقاز خواهد داشت. وی جامعه جهانی را تشویق نمود ممانعت از مداخلات ترکیه در کشمکش‌های موجود میان باکو و یریفان در خصوص اقلیم قره‌باغ شود که از سال 1991م بالاگرفته است. (منبع قبلی)

2- آذربایجان گفته که درگیری‌ها این بار جدی و جنگ کاملاً قاطعانه است. الهام علییوف به تاریخ 30 سپتامبر 2020م گفت: «مذاکرات در خصوص قره‌باغ بی‌فایده بود و دیگر نیازی به فراخوان مذاکرات جدید نیست. وی علاوه نمود که آذربایجان مصمم است سرزمین خویش را مجدداً یک‌پارچه نماید و اردو/لشکر آذربایجان توانسته در جریان عملیات اخیرش در منطقه مورد منازعه، پیش‌روی‌های موفقانه‌ای داشته باشد و کسی توان این را ندارد نیروهای آذربایجان را از مواضعی که به دست آورده بیرون نماید. خروج نیروهای ارمنستان یگانه شرطی است که از جانب آذربایجان مطرح می‌گردد و توقف درگیری‌ها منوط به پذیرفتن این شرط توسط یریفان است.» وی افزود: «ما فقط یک شرط داریم و آن هم خروج کامل، بدون قید و شرط و فوری نیروهای مسلح ارمنستان از خاک ماست. اگر حکومت ارمنستان این شرط را پذیرفت، جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها متوقف خواهد گردید.» (منبع: الجزیره، روسیه امروز 30 سپتامبر 2020م). به نظر می‌رسد وی مطمئن است که ترکیه از آنان پشتیبانی نموده و در این پشتیبانی صادق خواهد بود و سرزمین‌شان را آزاد خواهد نمود.

3- درگیری‌های دو طرف این بار به تاریخ 12 جولای 2020م بالاگرفت و سه روز ادامه داشت و پس از خسارت‌های جانی در صفوف دو طرف متوقف گردید. سپس ترکیه برای نخستین بار سربلند نمود و با فرستادن نیروهای زمینی و هوایی به آذربایجان، در مانورهای نظامی گسترده میان دو کشور مشارکت نمود. این مانورها از تاریخ 29 جولای 2020م آغاز و دو هفته ادامه داشت. ترکیه طوری وانمود می‌کند که قضیه آذربایجان و مناطق اشغال‌شده آن توسط ارمن‌ها را به دوش گرفته، کاری که پیش از این از ترکیه مشاهده نشده، هرچند دو طرف از زمان اعلان آتش‌بس در سال 1994م هرازگاهی درگیری می‌شدند. آخرین موردی که از آن تاریخ، درگیری‌های نسبتاً شدید گفته می‌شود در آغاز ماه اپریل تا 26 همین ماه سال 2016م بود، اما ترکیه دخالتی فراتر از تسلیت گفتن اردوغان به بازمانده‌گان قربانیان آن درگیری‌ها و اعلان آمادگی برای حمایت از آذربایجان، بدون هیچ‌گونه حمایت عملی، نداشت! شرایط در آن زمان طوری بود که برنامه‌ریزی‌های امریکا می‌طلبید ترکیه با روسیه تفاهم داشته باشد تا هر دو دولت با هم برای استحکام نظام حاکم سوریه، که وابسته به امریکاست، با یکدیگر همکاری باشند و با سرکوب نمودن مردم انقلابی سوریه علیه نظام حاکم از برگشتن اسلام به صحنه حاکمیت جلوگیری نمایند. مخصوصاً با توجه به این که سرکشی‌های ارمن‌ها در برابر آذربایجان در ماه شباط سال 1988م و با کمک روسیه آغاز گردید، آنگاه که اعلان نمودند منطقه کوهستانی قره‌باغ را در سال 1991م زیر تسلط خود در آورده و از برپائی جمهوری مستقلی در آن برای خود خبر دادند. آن درگیری‌ها میان دو طرف تا سال 1994 ادامه داشت و آذربایجان بیش‌تر از 20 تا 24% از خاک خود به شمول منطقه قره‌باغ که از 5 ولایت/استان تشکیل می‌گردد، به علاوه پنج ولایت دیگر در غرب این کشور و بخش‌های وسیعی از دو ولایت آغدام و فضولی را از دست داد و در حدود یک میلیون از مسلمانان ساکن این مناطق وادار به مهاجرت شدند. اردوی روسیه مستقیماً در آن درگیری‌ها مداخله نمود و هنوز هم روس‌ها پشت سر ارمنستان ایستاده و از این کشور کوچکی که به مراتب نسبت به آذربایجان نفوس، قدرت و توانایی‌های کم‌تری دارد تمام قد حمایت می‌کند.

4- ترکیه در قضیه آذربایجان بر اساس نقشی که در چرخه محوریتر امریکا و اجرای اوامر آن دارد عمل می‌کند، چنان‌چه ترکیه به تاریخ 10 اکتوبر 2009م در شهر زیورخ سویس توافق‌نامه صلح را با ارمنستان امضاء نمود؛ توافق‌نامه‌ای که بر اساس آن مرزهای

کنونی میان دو کشور را به رسمیت شناخت و این مرزها باز گردید، روابط دیپلوماتیک آغاز، سفرای رد و بدل گردیدند، قنصل‌گری‌ها گشوده شد، روابط دو جانبه در تمام عرصه‌ها توسعه یافت، همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی دو طرف راه افتاد، کشمکش‌های منطقه‌ای و جهانی به گونه‌ی سلمی و بر اساس قواعد و قوانین بین‌المللی حل و فصل گردید، مبارزه برعلیه تروریسم و گسترش دموکراسی در منطقه راه‌اندازی شد و سرانجام گفتگوها برای تمرکز علمی بالای اسناد و منابع تاریخی آغاز و توسعه یافت که هدف از آن حل و فصل مشکل تاریخی کشتار جمعی ارمن‌ها بود. در ضمن باید دانست: اردوغان پیش از آن که ارمنستان نیروهایش را از خاک آذربایجان اشغالی در قره‌باغ و اطراف آن خارج کند، هرگونه تفاهم را با ارمنستان رد می‌نمود. توافق مذکور میان دو طرف به درخواست مستقیم شخص اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا صورت گرفت؛ چنان‌چه در سفری که به تاریخ 6 اپریل 2009م به منظور حل اختلافات میان ترکیه و ارمنستان و ایجاد صلح میان دو طرف، پس از قطع روابطشان و بسته شدن مرزها در سال 1993م داشت، از طرفین خواست به آن اختلافات پایان دهند. اردوغان بی‌درنگ اعلان آماده‌گی نموده و توافق‌نامه صلح سراسری را با ارمنستان امضاء نمود، بدون این‌که مسأله را با آذربایجان در میان گذارد و بدون اندکی توجه به اشغال خاک آذربایجان توسط ارمن‌ها و یا قضیه حدوداً یک میلیون مسلمان مهاجر آذربایجانی که توسط ارمن‌ها مهاجر شده اند. وزارت خارجه آمریکا اعلان نمود که امضای این توافق‌نامه یک اقدام تاریخی بوده و آمریکا در آن شرکت نموده.

5- آذربایجان از امضای آن توافق‌نامه، پیش از خروج ارمن‌ها از سرزمین‌های اشغال شده آذربایجان، انتقاد نمود و از ترکیه خواست به تعهدات قبلی‌اش مبنی بر عدم گشودن مرزها و از سرگیری روابط با ارمنستان پیش از خروج ارمن‌ها از مناطق اشغالی آذربایجان پایان بماند. سایت ایلاف به تاریخ 10 اکتوبر 2009م با انتشار خبری نوشت: «وزیران خارجه ترکیه و ارمنستان شام روز شنبه توافق‌نامه‌های دو جانبه‌ای را در زوریخ سویس به هدف از سرگیری روابط میان دو طرف امضاء نمودند. وزیران خارجه دو کشور ادوارد نالبندیان و احمد داوود اوغلو پس از امضای توافق‌نامه‌ها با یکدیگر دست داده چند لحظه طولانی و با صمیمیت دست یکدیگر را می‌فشرده. فیل گوردن معاون وزیر خارجه آمریکا در امور اروپا و امور اروپا- آسیا که در این دیدار حضور داشت گفت: «شام امروز شنبه در یک اتفاق تاریخی شرکت نمودیم.» هیلاری کلنتن وزیر خارجه آمریکا نیز که عازم سفر پنج روزه به شش شهر اروپائی بود، قبل از رسیدن به لندن وارد زوریخ سویس شده و در محفل امضای توافق‌نامه‌ها میان ترکیه و ارمنستان شرکت نمود. از جانب دیگر، یک مسئول بلند پایه آمریکا گفته که اوباما به خاطر این توافق‌نامه سخت خرسند بوده و آن را "یک گام بزرگ به پیش" می‌داند. اما آذربایجان فردای روز امضای آن توافق‌نامه‌ها، عادی شدن روابط میان ارمنستان و ترکیه را تقبیح نمود و هشدار داد که گشوده شدن مرزهای ارمنستان با ترکیه ممکن است آرامش جنوب قفقاز را بر هم زند. وزارت خارجه آذربایجان با نشر بیانیه‌ای گفت: «از سرگیری روابط میان ترکیه و ارمنستان قبل از خروج نیروهای ارمن از منطقه اشغال شده آذربایجان مستقیماً با منافع آذربایجان در تناقض بوده و روی روابط برادرانه میان آذربایجان و ترکیه، که ریشه‌های تاریخی دارد، سایه می‌افگند.» (منبع: ایلاف 10 اکتوبر 2009م).

6- اما ترکیه به رهبری اردوغان سعی نمود آذربایجان را با سخنان شیرین‌کاری از عمل فریب دهد، چنان‌چه در آن توافق‌نامه هیچ‌گونه شرطی برای خروج ارمنستان از منطقه قره‌باغ نگذاشت و چنان‌که بود با آن موافقت نمود. اما نه سال بعد در ماه مارچ 2018م ارمنستان، که زیر نفوذ روسیه قرار دارد، با فشار روس‌ها، توافق مذکور را رسماً ملغاً اعلان نمود و به این ترتیب، فرصت آمریکا برای گرفتن ارمنستان از روسیه توسط توافق مذکور با ترکیه از دست رفت. روسیه نفوذش را در ارمنستان قوت بخشید، چنان‌چه سپر

موشکی خویش را در پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان موسوم به پایگاه گیومری تقویت نمود، سپس در ماه دسامبر 2015م توافق نامه دفاع مشترک هوایی را با ارمنستان امضاء نمود و بی‌درنگ مجموعه‌ای از طیاره/هواپیماهای نوع میگ 29 و هزاران سرباز و تانک، سلاح‌های دفاع هوایی، موشک‌های دوربرد نوع اس 300 به علاوه سلاح‌های هوایی میانبرد نوع اس ای-6 را منتشر نمود. روسیه این امکانات دفاعی‌اش را وارد بازار خویش موسوم به "اتحاد اقتصادی اوراسیا" نمود که از تاریخ 1 جنوری 2015م عملاً به اجرا گذاشته شد به علاوه بلاروس، قزاقستان و قرغیزستان. این دولت‌ها به علاوه ارمنستان تبدیل به بازار تولیدات روسیه زیر نام آزادی داد و ستد کالا و خدمات در تمام عرصه‌ها شد. مجموع تولیدات داخلی این بازار به بیش از پنج تریلیون دالر امریکائی می‌رسد که اکثریت آن به نفع روسیه تمام می‌شود.

7- پس از این اتفاقات، امریکا برای استحکام نفوذ خویش در آذربایجان و تضعیف نفوذ روسیه به جستجوی راه‌های دیگری پرداخت تا رهش را به جانب ارمنستان باز نماید. به ترکیه اشاره نمود تا در کنار روابط اقتصادی و سیاسی که با آذربایجان دارد، روابط نظامی‌اش را نیز استحکام بیش‌تری بخشد تا به این ترتیب نفوذ امریکا تقویت یافته و ارمنستان زیر فشار قرار گیرد و دروازه‌های خویش را برای نفوذ امریکا باز نماید تا این بود که درگیری‌های اخیر در ماه جولای گذشته اتفاق افتاد، به نظر می‌رسد این درگیری‌ها برنامه‌ریزی شده بوده تا بهانه‌ای برای ترکیه جهت مداخله نظامی و ارسال نیرو برای تمرینات و مانورهای مشترک باشد و پس از آن درگیری‌های شدید اخیر بالاگیرد که منجر به حالت جنگ میان دو طرف شد. اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه پس از شروع درگیری‌های مستقیم و به تاریخ 27 اکتوبر 2020م در صفحه تویتر خویش نوشت: «جامعه جهانی دو جانبه عمل می‌کند و نتوانسته عکس‌العمل کافی و مطلوبی را در برابر حملات تحریک‌آمیز ارمنستان از خود نشان دهد. گروه سه جانبه مینسک نیز متأسفانه با اقدام به حل این بحران فاصله زیاد دارد و نزدیک به 30 سال است که موقف بی‌توجهانه‌اش به این قضیه را هم‌چنان ادامه می‌دهد.» وی افزود: «بدون شک تأمین صلح در منطقه وابسته به خروج نیروهای ارمنستان از خاک اشغال شده آذربایجان از سال 1992م است. ترکیه هم‌چنان در کنار دوست و برادرش آذربایجان قرار خواهد داشت.» (منبع: آژانس خبری ترکیه 28 اکتوبر 2020م) اما انگار اردوغان گمان نموده که مردم حافظه ندارند و طوری وانمود می‌کند که هرگز خودش در این قضیه کوتاهی نداشته و در زمان امضای آن توافق‌نامه با ارمنستان از هیچ چیزی چشم‌پوشی نکرده، توافق‌نامه صلح با ارمنستان در سال 2009م برای خدمت به امریکا که هیچ اشاره‌ای در آن به خروج نیروهای ارمن از خاک آذربایجان نشده بود و حتی یک کلمه هم از این موضوع در آن یاد نشده بود.

8- زمانی که ارمنستان توافق‌نامه یاد شده را پس از نه سال از امضای آن لغو نمود، که باعث شد امریکا نتواند در ارمنستان جای پا پیدا کند، اردوغان یک بار دیگر سر بلند نموده و خواستار خروج نیروهای ارمنستان از این سرزمین اشغالی شد و به گفته خودش "دوست عزیزش" پوتین و هم‌چنین از ماکرون انتقاد نموده گفت: «در این خصوص با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و ایمانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه صحبت نمودم؛ اما هیچ نتیجه‌ای به دست نیامد.» (منبع: آژانس خبری ترکیه 1 نومبر 2020م) او هرگز به گفته خودش از "دوست و هم‌پیمان‌اش" ترامپ انتقاد نکرد. چگونه از او انتقاد کند؛ در حالی که محرک پشت پرده و حتی مستقیم وی است؟! امریکا حتی اگر سعی کند با استفاده از اسالیب دیپلماتیک با قضیه بازی کند، باز هر صاحب درک و بصیرتی می‌تواند به واقعیت امر پی ببرد. از جمله این که ترامپ به تاریخ 27 اکتوبر 2020م در یک کنفرانس خبری اعلان نمود: «امریکا تلاش خواهد نمود خشونت‌های بالا گرفته میان ارمنستان و آذربایجان متوقف گردد.» اما باز گفت: «ما در این خصوص حجم بزرگی از روابط

جدی را دارا می‌باشیم و خواهیم دید که آیا متوقف نمودن این درگیری‌ها در توان ما هست یا خیر.» (منبع: الجزیره 27 اکتوبر 2020م) به این معنی که وی هرگاه توقف آن را لازم ببیند آن را متوقف خواهد نمود و نگفت که از اعمال فشارها کار خواهد گرفت و تمام توان امریکا را به کار خواهد گرفت تا دو طرف به یک راه حل دست یابند، بلکه مسئله را سبک نموده گفت: «اگر متوقف نمودن آن در توان ما باشد.» در حالی که امریکا دولتی است که اگر خواسته باشد کاری را انجام دهد، تمام وزن اش را روی آن گذاشته و از فشارهای خویش استفاده می‌کند! در بیانیه وزارت خارجه امریکا چنین گفته شده: «امریکا بالاگرفتن تنش‌ها را با شدیدترین الفاظ تقبیح می‌کند و ستیفن بیجون معاون وزیر خارجه وزرای خارجه آذربایجان و ارمنستان را تشویق نموده اقدام خصمانه را متوقف نمایند و با رؤسای گروه مینسک برای برگشتن به مذاکرات در نزدیک‌ترین فرصت همکاری نمایند و تأکید نموده که واشنتن به کمک برای دو طرف جهت دستیابی به راه حل مسالمت‌آمیز و پایدار این کشمکش هم‌چنان متعهد است.» (الجزیره قطر و العالم ایران 27 اکتوبر 2020م) امریکا در این درخواست خویش مبنی بر متوقف نمودن اعمال خصمانه هر دو طرف ارمنستان و آذربایجان را مساویانه مورد خطاب قرار داد، زیرا موقف امریکا در این قضیه طوری است که قصد دارد نفوذ خویش را در هر دو سرزمین استحکام بخشیده و نفوذ روسیه را در آن تضعیف و از بین ببرد. تمام این موقف‌گیری‌ها بیانگر این است که امریکا ضمناً از اقدامات ترکیه راضی بوده و این که ترکیه با اشاره امریکا وارد آذربایجان شده، اگر چنین نیست پس چه دلیلی وجود دارد که به گفته ژانز اناضول؛ روبرت اوبراین رئیس امنیت ملی امریکا به تاریخ 29 اکتوبر 2020م با ابراهیم قالین سخن‌گوی ریاست‌جمهوری ترکیه در تماس شود و در خصوص کشمکش میان آذربایجان و ارمنستان با وی گفتگو نماید؛ اگر امریکا در پس قضیه قرار ندارد و ترکیه را تحریک نمی‌کند؟

9- مسئله دیگر اصرار اردوغان و مسؤولین حکومت‌اش به مذاکرات برای تطبیق تصامیم ظالمانه شورای امنیت و تصامیم گروه مینسک برخاسته از سازمان امنیت و همکاری اورپاست که در سال 1992م به رهبری امریکا، روسیه و فرانسه اتخاذ گردید. اردوغان در حالی خواستار تطبیق این تصامیم می‌شود که واضح است در نهایت به نفع ارمن‌ها تمام می‌شود؛ هم‌چنان آتش‌بس نیز به نفع آنان تمام می‌گردد. تمام این واقعیت‌ها بیان‌گر آن است که تلاش‌های هدف‌مندان‌های برای متشنج نمودن اوضاع در جریان است تا راه برای فعالیت‌های سیاسی و دیپلوماتیک به هدف اعمال فشار باز شود؛ چیزی که امریکا می‌خواهد. در بیش‌تر موارد، جنگ‌ها بهانه‌ای است برای باز نمودن مسیر فعالیت‌های سیاسی و دیپلوماتیک که به اشاره امریکا راه اندازی می‌گردد. اینک در این قضیه نیز سر و صداها از هر طرف بالا گرفته و خواستار مذاکرات و دریافت راه حل سیاسی به این قضیه و تطبیق تصامیم اتخاذ شده در شورای امنیت می‌شوند. مسؤولین ترکیه در اظهارات مختلف‌شان خواستار حمایت از آذربایجان بر اساس حل این بحران مبنی بر تصامیم شورای امنیت شده‌اند، چنان‌چه چاوش اوغلو وزیر خارجه ترکیه در جریان دیدارش از سفارت آذربایجان در انقره گفت: «تصامیم سازمان ملل، شورای اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا در خصوص یک‌پارچه‌گی خاک آذربایجان واضح است و اگر ارمنستان از آذربایجان بیرون نرود مسئله هرگز حل نخواهد شد.» (منبع: الجزیره 29 سپتمبر 2020م) باید گفت که تصامیم مذکور در مورد بلندی‌های قره‌باغ اتخاذ نگردیده، بلکه در مورد مناطق دیگری است که خود نشان دهنده دسیسه علیه قضیه آذربایجان است.

10- روسیه پشت سر ارمنستان قرار دارد، کشوری نسبت به آذربایجان مساحت کوچک، اتباع اندک و نیرو و قدرات ناچیزی در اختیار دارد. پس این روسیه است که ارمنستان را با سلاح، ابزار و تمام لوازم مورد نیاز برای بقاء حمایت می‌کند. ارمنستان عضو سازمان امنیت جمعی است که توسط روسیه رهبری می‌گردد و روسیه در آن حضور گسترده نظامی دارد و بسیار بعید به نظر می‌رسد از ارمنستان دست بردارد در غیر آن پشت روسیه از این ناحیه خالی گردیده و زمینه حضور امریکا به شمال قفقاز فراهم می‌گردد؛ جایی که بخشی از روسیه فدرال به شمار می‌رود. سرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه در جریان تماس تلفونی که با زوهراب مناتساکانیان همتای ارمنستانی‌اش داشت گفت: «ما از تحرکات خصمانه در قره‌باغ نگران بوده و تأکید می‌کنیم درگیری‌ها باید متوقف گردد.» (منبع: اسپوتنیک 27 اکتوبر 2020م) این اظهارات خود نشان‌دهنده حمایت روسیه از ارمنستان علیه آذربایجان است.

بناءً اگر ترکیه ارمنستان را سرزنش می‌کند، باید روسیه را، که پشتیبان اصلی ارمنستان بوده و نفوذش را در آن اعمال نموده، نیز سرزنش نماید، زیرا ارمنستان بدون حمایت روسیه هرگز جرئت تجاوزگری را ندارد. حامی دشمن شما دشمن خودتان نیز هست، اما ترکیه به رهبری اردوغان بهترین روابط را با روسیه داشته و در سوریه علیه مردم مسلمان این سرزمین، که در مقابل نظام جنایت‌کار حاکم به رهبری بشار اسد، قیام نموده اند هم‌پیمان شده است. ترکیه در عین حال ابزاری است در دست امریکا که از آن برای منافع امریکا بر علیه روسیه استفاده می‌کند. اما به هیچ وجه آسان نخواهد بود روسیه در منطقه حیاتی خود کوتاه بیاید، درست مانند قضیه اوکراین و جورجیا. بنابر این؛ این کشمکش‌ها به هیچ وجه در این مرحله از درگیری‌ها حل و فصل نخواهد شد، بلکه راه برای سیاست‌بازی‌ها و فعالیت‌های دیپلماتیک باز خواهد شد، زیرا این کار برای فریب‌دادن روسیه مؤثرتر است.

11- حضور فرانسه در این قضیه متفاوت است؛ زیرا فرانسه در این منطقه نفوذی ندارد، بلکه سعی دارد خود را به عنوان یک دولت بزرگ تبارز دهد و می‌خواهد عضویت‌اش در گروه مینسک را نگهدارد؛ گروهی که در سال 1992م و بر اساس فیصله شورای امنیت و همکاری اروپا به منظور بررسی حل قضیه کشمکش آذربایجان و ارمنستان و تأمین آتش‌بس دائمی تشکیل گردید. این گروه سعی دارد در برابر ترکیه قرار گیرد، زیرا ترکیه دنبال مختل نمودن نفوذ اروپا به شمول فرانسه می‌باشد؛ به دلیل این که ترکیه در مدار امریکا در گردش است. چنان‌چه ماکرون به تاریخ 30 سپتمبر 2020م در یک کنفرانس مطبوعاتی در لاتفیا گفت: «از تبلیغاتی که ترکیه برای تأیید موقف آذربایجان به راه انداخته خبر دار شدم و باور دارم که این تبلیغات متهورانه و خطرناک است. فرانسه هنوز از این پیام‌های تحریک آمیزی که ترکیه در چند ساعت گذشته به هدف شعله‌ور شدن جنگ فرستاده سخت نگران است، پیام‌هایی که تمام موانعی را که در برابر آذربایجان برای شعله‌ور شدن مجدد جنگ در ناگورنی قره‌باغ وجود دارد کنار می‌زند و ما این را نمی‌پذیریم.» (منبع: رویترز 30 سپتمبر 2020م) چاوش اوغلو وزیر خارجه ترکیه در همان تاریخ در پاسخ به اظهارات ماکرون گفت: «طرف داری فرانسه از ارمنستان به حد حمایت از اشغال ارمنستان از آذربایجان رسیده.» (منبع: اناضول 30 سپتمبر 2020م) فرانسه سعی دارد با موقف‌گیری‌های متناقض از خود چهره بی‌طرف و میانجی‌گرانه نشان دهد. فرانسه دولتی است که بازهای سیاسی را خوب بلد نیست و به همین دلیل است که موقف‌گیری‌های آن همواره برملا می‌گردد و اگر تلاش کند آن را بپوشاند در آن تناقض دیده می‌شود. چنان‌چه در بیانیه‌ای که پس از آغاز درگیری‌ها منتشر نمود، فون دیر مول سخن‌گوی وزارت خارجه فرانسه گفت: «فرانسه از درگیری‌های گسترده در قره‌باغ و گزارش‌ها از قربانیان این درگیری‌ها سخت نگران است، به خصوص در مورد قربانیان

غیر نظامی و خواستار توقف فوری اقدامات خصمانه و از سرگیری گفتگوها می‌باشد.» وی افزود: «فرانسه به صفت یکی از اعضای رهبری گروه مینسک در کنار شرکای روس و امریکائی خویش تأکید می‌کند که باید به راه‌حلی که این کشمکش را در چهارچوب قانون بین‌المللی حل و فصل نماید دست‌یافت.» (منبع: اسپوتنیک 27 سپتمبر 2020م) فرانسه در عین حال پیوسته و علنی علیه اسلام و مسلمانان اظهار کینه‌توزی نموده، چه در داخل خود فرانسه، که از یک طرف ادعای آزادی دارد و از طرف دیگر فضا را برای مسلمانان تنگ می‌کند که خود بیانگر موقف آشکار دوجانبه آن را به نمای می‌گذارد و چه در خارج، که قضایایی مانند قضیه ارمنستان و سایر مسیحیان را از خود می‌داند تا از این طریق راهش را برای نفوذ در میان آنان باز کند، زیرا فریب چنین کسانی آسان است، چنانچه در جریان جنگ اول جهانی آنان را فریب داد و آنان را علیه دولت عثمانی شوراند؛ دولتی که در طول قرن‌ها به خوبی به آنان رسیده‌گی نموده بود، اما آنان فریب فرانسه مبنی بر برخوردار شدن از وطنی در اناضول، به دولت عثمانی خیانت نموده و شمار زیادی از مسلمانان را به تحریک فرانسه کشتند، در حالی که اگر عاقلانه می‌اندیشیدند، به نفع‌شان بود که به صفت اهل ذمه باقی بمانند و در سایه دولت خلافت اسلامی در امن و امان به سر می‌بردند؛ دولتی که منصفانه با آنان برخورد می‌نمود و هرگز بسان فرانسه و سایر دولت‌های استعمارگر از آنان سوء استفاده نمی‌کرد.

12- در خصوص فیصله‌های شورای امنیت، که دولت‌ها خواستار تطبیق آن می‌شوند، به شمول خود ترکیه، در این فیصله‌ها هیچ اشاره‌ای به اقلیم قره‌باغ، که توسط ارمن‌ها اشغال شده و در آن جمهوری برای خود اعلان نموده اند، نشده، چنانچه نخستین فیصله‌ای که به تاریخ 30 نیسان سال 1993م زیر نام فیصله شماره 822 منتشر گردید، خواستار توقف فوری درگیری‌ها و اعمال خصمانه و آتش‌بس دائمی شده است. از نیروهای اشغال‌گر ارمنستان نیز خواسته از منطقه زانگیلان و شهر غورادیز کیلیجدار و سایر مناطق آذربایجان بیرون روند. هیچ اشاره‌ای به قره‌باغ اشغال شده نگردیده. فیصله‌های دیگری نیز در همین سال منتشر گردید که فیصله قبلی را تأیید می‌کند، چنانچه فیصله شماره 853 تاریخ 29 جولای 1993م منتشر و فیصله قبلی را تأیید نموده و تسلط بالای شهر آعدام و سایر مناطق آذربایجان را تقبیح نمود و خواهان خروج کامل ارمن‌ها از این مناطق گردید. هم‌چنین از حکومت ارمنستان خواست تا بالای اقلیم قره‌باغ فشار آورد تا به فیصله شماره 822 تن دهد. در همین سال به تاریخ 14 اکتبر فیصله شماره 874 صادر گردید و حمایت‌اش از روند صلح میان دو طرف را تکرار نمود و خواستار پذیرش جدول زمانی اصلاح شده برای گام‌های عاجل گردید. آذربایجان این فیصله را نپذیرفت زیرا خروج نیروهای ارمنستان از مناطق اشغالی آذربایجان در قره‌باغ را منوط به رفع تحریم‌های اعمال شده بالای ارمنستان نموده است. بناءً حکومت آذربایجان از این‌که به‌سان طرف شکست‌خورده با آن برخورد صورت گرفته شکایت نمود. جدول زمانی اصلاح شده شامل پیشنهادهای مربوط به خروج نیروها از مناطقی که جدیداً اشغال گردیده و هم‌چنین برطرف نمودن تمام موانعی که در برابر ارتباطات و حمل و نقل قرار داد و تمام سایر قضایایی که به گفته شورا بررسی نگردیده، می‌شود که باید در جریان گفتگوهای صلح‌آمیز حل و فصل گردد. به تاریخ 12 نومبر همان سال یعنی 1993م، فیصله شماره 884 صادر گردید و فیصله‌های قبلی را تأیید و نقض‌های آتش‌بس میان دو طرف را تقبیح نمود، به ویژه در زانگیلان و شهر هورادز و از نیروهای اشغال‌گر ارمنستان خواست از منطقه زانگیلان و شهر گورادیز و سایر مناطقی آذربایجانی که اشغال نموده اند بیرون روند. هیچ یک از فیصله‌های شورای امنیت به خروج از قره‌باغ اشاره ننموده. بنابر این، فیصله‌های مذکور به دقت و آگاهانه طوری تهیه گردیده که بالای مناطقی از آذربایجان تمرکز نماید که شامل منطقه قره‌باغ نشود و این منطقه را ضمناً طوری نشان دهد که

انگار جزء خاک آذربایجان به شمار نمی‌رود. این بدان معناست که اگر مذاکراتی راه‌اندازی گردد و سر انجام به توافقی برسند، این منطقه، یعنی منطقه قره‌باغ بگونه مشخص، زیر حاکمیت ارمن‌ها باقی می‌ماند و در عوض آن از سایر خاک آذربایجان بیرون می‌روند. ترکیه خواهان اجرائی نمودن این فیصله‌هاست؛ فیصله‌هایی که خواستار خروج ارمن‌ها از اقلیم قره‌باغ نشده، درست مانند آن که در سوریه نیز خواهان تطبیق شدن فیصله‌های شورای امنیت شد؛ همان فیصله‌هایی که هیچ ضرری به نظام بشار نداشت، بلکه بقاء و حفظ هویت سیکولارستی آن را مورد تأیید قرار می‌دهد. هم‌چنین درست مانند آن که خواهان تطبیق شدن راه‌حل تأسیس دو دولت در فلسطین شد؛ راه‌حلی که اشغال حدود 80% از خاک فلسطین توسط یهودیان را تأیید می‌کند. قضیه قره‌باغ هم‌چنان دست نخورده باقی گذاشته شد و آتش‌بس به مثابه پیروزی ارمن‌ها تلقی گردید. گروه مینسک از چگونگی راه‌حل مطرح شده و از جریان مذاکرات هیچ معلوماتی منتشر نکرد، به جز تکرار فیصله‌های شورای امنیت که قبلاً تذکر داده شد. اما از سیاق قضیه و اوضاع جاری دانسته می‌شود که آنان قصد دارند از آذربایجان برای اشغال ولایت‌های پنج‌گانه اقلیم قره‌باغ توسط ارمنستان اعتراف بگیرند؛ اقلیمی که اهالی مسلمان آن کاملاً از مناطق‌شان بیرون رانده شده و به جای آنان ارمن‌های کافر مسیحی جای گرفته‌اند، تا این که ارمنستان از سایر پنج ولایت دیگر مناطق اشغالی آغدام و فضولی بیرون روند و به این ترتیب قضیه حل و فصل گردد. درست مانند آن چه در فلسطین اتفاق افتاد؛ چنان که یهود به حمایت امریکا از سازمان التحریر فلسطین و حکومت‌های موجود در سرزمین‌های عربی و اسلامی برای اشغال حدود 80% از خاک فلسطین اعتراف گرفتند و مذاکرات را بالای حدود 20% دیگری که یهود از سال 1967م اشغال نموده و یا بهتر است بگوییم "توسط حکام خائن به آنان سپرده شده" متمرکز نمودند، آنگاه که آتش‌بس را پذیرفتند و فیصله‌های شماره 242 و 243 شورای امنیت را قبول نمودند؛ فیصله‌هایی که بر اساس آن دولت یهود موظف است تنها از مناطقی بیرون رود که روز پنجم ماه جون همان سال اشغال/به آن تسلیم داده شد.

13- پس این توجه ترکیه بشارت خیر به همراه ندارد، در هر قضیه‌ای که ترکیه به رهبری اردوغان دخالت نموده در نهایت به ضرر مردم آن قضیه و تأمین منافع امریکا تمام گردید؛ مانند قضیه سوریه، آنگاه که ترکیه بالای گروه‌های مسلح فشار آورد تا به توافق نامه کاهش تنش و آتش‌بس تن دهند؛ چیزی که نه حکومت سوریه و نه حامیان مستقیم آن به شمول حکومت ایران و اتباع آن و روسیه هرگز به آن پایبند نماندند تا این که گروه‌های مذکور سرانجام توسط ترکیه از مناطق‌شان بیرون کرده شد و آن مناطق به حکومت بشار سپرده شد. هم‌چنین مانند قضیه لیبیا، آنگاه که ترکیه به حکومت سراج کمک نمود تا این که نیروهای سراج به جانب سرت و جفره پیشروی نمودند، ناگهان ترکیه کمک‌هایش را متوقف نمود و از سراج خواست به آتش‌بس دائمی تن داده و با حفتر وارد مذاکرات شود، حفتری که ترکیه وی را غیر قانونی خوانده بود! پس این بار نیز بعید نیست که هدف از کمک‌های ترکیه این باشد که بالای آذربایجان فشار وارد کند تا موقف خودش را نرم کند و این چیزی است که اظهارات مسئولیت ترک نشاندهنده آن است، چنان چه مذاکراتی که گروه مینسک به ویژه امریکا گردانندگی می‌کند، به بن‌بست نرسید تا آذربایجان در موضوع قره‌باغ امتیاز بدهد، در حالی که تعهدش مبنی بر بازگرفتن قره‌باغ از نیروهای اشغال‌گر را بارها تکرار نموده؛ اما از لهجه و رسانه‌های امریکا، روسیه و فرانسه، که همواره از ارمن‌ها و فیصله‌های شورای امنیت حمایت می‌کنند، دانسته می‌شود که قره‌باغ را یکی از اقلیم‌های ارمنستان می‌دانند. لازم به ذکر است که فیصله‌های شورای امنیت توسط همین دولت‌های سه‌گانه طراحی و توسط سایر دولت‌های عضو در آن مورد تأیید قرار می‌گیرد. در اقلیم مذکور جمهوری خاصی برپا گردیده تا وانمود شود که مستقل از ارمنستان عمل



می‌کند تا به این ترتیب، مذاکرات دشوارتر شده و این اقلیم خود از ساختار مستقل خود کوتاه نیاید! و تا انگشت انتقاد متوجه ارمنستان نبوده و از اعمال فشار در امان بماند.

مطمئناً به هیچ‌وجه نمی‌توان به موقف ترکیه به رهبری اردوغان در این قضیه و سایر قضایا اعتماد نمود، چنان‌چه از زمان آغاز این جنگ میان دو طرف در قبل از سی سال تا کنون هیچ کمکی به آذربایجان نکرده و همواره آن را تنها گذاشته و به یاری آن بر نخوایسته و به همین دلیل بیم آن می‌رود که هدف ترکیه به رهبری اردوغان از کمک‌های اخیرش، اعمال سلطه بالای تصامیم آذربایجان و سپس وادار نمودن آن به امتیازدهی باشد.

14- شکی نیست که آذربایجان یکی از سرزمین‌های اسلامی بوده و اکثریت مطلق مردم آن مسلمان اند، اما نظام حاکم بالای آنان نظام سیکولاریستی بوده که در حقیقت تداوم نظام کمونستی است که سعی داشت دین را از دولت و جامعه دور نماید. آذربایجان و ارمنستان هر دو در زمان خلافت راشدۀ سوم "عثمان ابن عفان رضی الله عنه" فتح گردیده، پس هرگز نمی‌توان برای نجات این سرزمین و سایر سرزمین‌های اسلامی و آزادی آن از چنگال امریکا یا روسیه به ترکیه و یا ایران اعتماد و تکیه نمود، بلکه واقعیت این است که این دو نظام همواره در خدمت امریکا و روسیه قرار داشته اند. مسلمانان هرگز طعم رهایی از این منجلا ب‌ها را نخواهند چشید؛ مگر با برپا نمودن خلافت دوم راشدۀ بر منهج نبوت؛ خلافتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم بشارت آن را پیشاپیش داده، آنجا که می‌فرماید:

«إِنَّكُمْ فِي النَّبُوَّةِ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونُوا، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونُوا، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مَلَكًا عَاصًا، فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ»

**ترجمه:** شما تا زمانی که الله بخواهد در نبوت به سر خواهید برد، سپس هرگاه که خواست نبوت را از میان شما بر می‌دارد، سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود و تا زمانی که الله بخواهد باقی خواهد ماند و آنگاه که خواست آن را بر می‌دارد، سپس پادشاهی به دندان‌گیرنده خواهد بود و تا زمانی که الله بخواهد باقی خواهد ماند و سپس آنگاه که خواست آن را بر می‌دارد، سپس (حاکمیت) جبری خواهد بود و تا زمانی که الله بخواهد باقی خواهد ماند و آنگاه که خواست آن را بر می‌دارد سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود.

18 صفر 1442 هـ.ق

5 اکتوبر 2020 م